

اسلام در تایلند

دو زیربازار نشد آسیائی، شبانه از خیابانهای پر از دحام «بانکوک» گذشتیم و در خم خیابانی به امام باره شیعیان رسیدیم، ساختمانی سفید و مرمرین در زیر نور چراغهای سفید، امواجی از شیعیان سفید پوش را در آغوش گرفته بود. محراب در بر تو چراغهای رنگین بعنوان مقدس ترین مکان به افتخار مولود کعبه زیور یافته بود، آنها خاطره عظیم غدیر را در این سوی جهان تجلیل میکردند، نام علی «ع» بود و یاد علی «ع» و سرودهایی به عشقش و بزرگواریش و جاودانگیش. قطرات اشک بر چهره ها می درخشید و دلها بیاد بزرگمردی که با ایشان و حکمت و امانتش، اسلام عزیز استوار شده بود می طید، زبان بند آمده بود و برده اشک در چشمانم منظره غدیر را نقش می بست، چهارده قرن پیش در کویری داغ و دور و بی نشان، جهره امامت بر فراز دست مقام نبوت درخشید و اکنون در این سوی جهان در وراء اینهمه کوه و دشت و دریا و در این منطقه سبز و پر آب، آنچه بر دلهای نژاد نائی متجلی است و معنویت چنان در بهنه گینسی گسترش یافته که دیگر مرز و خاک و خون مطرح نیست؛ همه جاشیفتگی است و عشق به باکی و ایمان و صلح و حقیقت و آزادی و اکنون در «بانکوک» شهر پنج میلیون نفری بودائی که صدها معبد بزرگ و زرین و پر برقی و زرینی بودا، همه جا نمودار است، امام باره ها، حسینیه ها و مساجد مسلمین هم با سادگی و حقیقت و درخشش معنویتش بر پای خاسته و یکمیلیون مسلمان را در بر گرفته است. چهارصد سال پیش مسلمان شیعه ای بنام «شیخ احمد قمی» از بندر «خرمشهر» برای می افتد و به تایلند میرسد و در «بانکوک» کسبی و تلاشی راه

می اندازد و جلب نظر حکمرانان وقت را میکند و بمقام وزارت میرسد و سر انجام بعنوان نخستین رهبر مسلمانان تایلند معروف میگردد. و اینک این چهار هزار شیعه که در این شهرند، پدیدۀ تلاش اویند و آرامگاهش نیز زیارتگاه شیعیان است.

ولی قدمت ورود اسلام به تایلند، پیشینه ای بیشتر دارد و در اواخر قرن دوازدهم میلادی از طریق هندوستان و مالزی، دیانت اسلام بعنوان تایلند که نام آنرویش «سیام» بوده است نفوذ میکند و سراسر آن حلقه را فرا میگردد.

نایک قرن پیش، جنوب تایلند، کشوری مسلمان و مستقل بود و حکمرانان مسلمان بر آن حکومت میکردند ولی حکومت بودائی شمال بر این کشور اسلامی هجوم آورد و مسلمانان اینستادگی کردند و فریب ده هزار شهید دادند ولی سر انجام بودائیان، این سرزمین را اشغال کردند و از آن روز مسلمانان مبارزات خود را در عمق جنگلها بصورت جنگهای چریکی در آورده اند و آرمان حصول آزادی و تشکیل حکومت اسلامی را دنبال می کنند.

اکنون هشت میلیون مسلمان در کشور پنجاه میلیون نفری تایلند بسر میبرند و اکثریت آنها در جنوب این کشور تراکم دارند و اکثریت ۹۰ درصدی مردم این کشور پیرو مذهب بودائند.

این کشور که اندامی از پیکره هند و چین است پیش از این بنام «سیام» از خود حکومتی مستقل داشت ولی از اواخر قرن نوزدهم، قدرتهای استعماری دخالت خود را در این سرزمین زرخیز آغاز کردند و تا قبل از جنگ جهانی دوم، استعمار انگلیس بر این کشور

تسلط داشت و در جریان جنگ دوم، ژاپنی ها بر آن تاختند و پس از جنگ دوم جهانی هم حرکت های آزادی بخش بوجود آمد و کشمکش های سیاسی و کودتا های نظامی ایجاد شد و سرانجام، سر و کله عموسام پیدا شد! و اکنون که سیام نام تایلند یعنی سرزمین آزادی بخود گرفته است کشوری است در آغوش مهیب آمریکا و وابسته به این ابلیس پرتدلیس که به آمریکائیان هم پایگاه نظامی داده و هم بازار مصرف و هم موقعیت بلع منابع و بالاخره گسترش نگین ترین فرهنگی که حتی شرف انسانیت را هم مملوک ساخته است و این کشور، بینوا زیر چکمه نظامیان دست و پا میزند و فقر و فساد تا گلوگاهش را گرفته و زشت ترین صحنه های تاریخی و جغرافیائی را بوجود آورده است.

اکنون پادشاه تایلند ظاهراً در رأس امور است و ریاست کشور و ریاست امور مذهبی را بعهده دارد و بنام «رامای نهم» تختی و تاجی و دمی و دستگاهی دارد اما امور واقعی کشور در دست نظامیان است و نخست وزیرش ژنرال است و مقامها را هم بین هم بالکی هایش تقسیم کرده و سرنخ اصلی هم در دست امریکاست که چون در بنام و گامسوج شکست خورده در اینجا نیزه اش را فرو کرده و دست بردارم نیست.

متعاقب قرار دادی که در سال ۱۹۵۰ بین امریکا و تایلند در مورد همکاری نظامی و اقتصادی برقرار شد و تایلند حتی بسود امریکا در جنگ کره شرکت کرد و همچنین عضویت تایلند در پیمان سینتو، در سال ۱۹۶۲ طبق قرار دادی پایگاههای دریائی و زمینی امریکا در تایلند ایجاد شد و تایلند تا گلوگاه دریاتلاق روابط امریکا فرورفت.

اوضاع اجتماعی

شاید وضع اجتماعی ناپلند یکی از اسف بارترین اوضاع کشورهای جهان باشد؛ فساد و رشوه در طبقات حاکمه و اختلاف شدید طبقاتی در بین مردم و بالاخره شیوع فحشاء و زشتی‌ها بحدی است که سیاه‌ترین روزگاران را برای مردم این سامان که در فقر شدید اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی بسر می‌برند بوجود آورده است. در شهر بانکوک میلیونها نفر مردم محروم و فقیر در میان قابلهای پوسیده زندگی میکنند و یک عمر در روی آن زیست و زاد و ولد و مرگ و عروسی دارند. اندامهای عربان و شکمهای به پشت چسبیده و چشمهای بی رمق و درد و بیماری و فقر و گرسنگی، کابوس وحشتناکی است که این مردم دردمند را بکام کشیده است، خرید و فروش کودکان امری رایج است و کودکان را بیهای شهیدتومان می‌فروشند!! و دلایلی جنایتکار این کودکان معصوم را به کارفرمایان نهکار بصورت کالائی تحویل میدهند و از آنها کار میکشند و شها روی خاکستر و خاک سرد کارخانه‌ها می‌خوابند.

دخترها هم بازار فحشاء عرضه میشوند و از آنها در به اصطلاح «ماساژ خانه‌ها» و رستورانها و کباباره‌ها و روسپی خانه‌ها استفاده میشود و برخی نیز بکشورهای خارج صادر میشوند. طبق آمار صادره، تنها سی هزار دختر زیر شانزده سال در مراکز فحشاء بسر می‌برند و یکی از مهمترین راههای درآمد دولت و جلب توریست، همین روسپی خانه‌ها است که سالانه یک میلیارد دلار عاید صندوق دولت میکند!!!

مراکز فحشاء در خیابانهای اصلی شهر و



موقعیت جغرافیائی ناپلند

هنها و آب‌انتهای چندین طبقه وجود دارد که بالامبهای رنگین و نئون جلب نظر میکند و صدها دختر و پسر جوان با اندامی عربان در مقابل این مراکز ایستاده‌اند و خود را عرضه میکنند و نورسهای فاسد هم از همه جای جهان به این شهر سرازیر میشوند و از شب تا صبح جنان‌الم شنگه‌ای بر پاست که معلوم نیست چرا عذاب خدا نازل نمیشود و این عناصر فاسد مانند مردم شهرهای سدوم و کومورا و بمبی دچار صاعقه و زلزله و آتش فشان نمیشوند. واسطه‌های فحشاء عصرها بندر سه‌های دخترانه می‌روند و کودکان معصوم را فریب میدهند!! و بی‌مراکز فساد می‌برند و فاجعه بحدی دردناک است که کله آدم می‌ترکد.

من بر حسب احساس وظیفه بنده دار وزیر آموزش و پرورش ناپلند رفته‌ام، بالای سرش طافچه‌ای بر از مجتمه بودا بود و چند مجتمه هم روی میز و چند دختر هم دور و برش مثل اینکه بمغازه عروسک فروشی رفته باشم!! جناب وزیر مرد موفقی بود، به ایشان گفتم: «مذهب بودا هم فساد و نه‌کارگری را تحریم کرده است و درست است که من نباید در امور داخلی کشور شما دخالت کنم ولی چون هر دو معلم هستیم از شما میخواهم که لااقل درهای

مدارس را بروی این مراکز فحشاء ببندید و گزته فرهنگ و تمدن و جامعه شما نابود خواهد شد». از سخنانم متأثر شد و گفت: سعی میکنم اندرهای برادر ارشدم را گوش کنم. وقتی که در مشهد سخنرانی میکردم از سوز دل گفتم: این چه مسلمانی است که مزد دوخت پیراهن عروسی بیک نفر پولدار در ایران چهل و نه هزار تومان شود و دختران مسلمان را در ناپلند به ششصد تومان به خارجی‌ها بفروشند! بمن گفتند: تودر سخنرانیات تند می‌روی!!

مذهب بودا

شاهزاده «سیدارتا» دچار تحولی روحی شده و از کاخ بکوخ رفته و سر به بیابانها گذاشته و تعلیماتی اخلاقی برمردم داده است، ولی بن از مرگش، اول بنعمبرش گفته‌اند و بعد هم خدا!! و اکنون میلیونها نفر در برابر بت بودا سجده می‌کنند، معابد بودا در ناپلند از چنان شکوهی ظاهری برخوردار است که در کمترین جای جهان نظیر آنرا میتوان یافت، بکارگیری آنهمه طلا و جواهر و نقش و میز برای مردمی که تنها با یک موز و نارگیل بسر می‌برند چه سودی میتوانند داشته باشند؟! عجب اینجاست که در میان آنهمه خانه‌های چوبی پوسیده و قابلهای مسکونی در گل فرو رفته، صدها معبد طلانی بر پاست و هر روز بر آنها رنگ و روغن تازه‌ای می‌زنند که با هزینه هریک از آنها، صدها خانه برای مردم میتوان ساخت. رهبران بودائی با کله تراشیده و یک پارچه زرد بخود پیچیده در میان فقرای بدبخت بگدائی مشغولند و این کار را بکنوع ریاضت و عبادت و نفس کشی میدانند!! و فقط در برخی از معابد بیمارانی بطور سر بائی معالجه



میشوند و تختهای چوبی برای درمان معاندان گذاشته اند ولی میلیونها معنادی که پدیده استعمارند کجا و این چند صد تخت چوبی کجا؟! وضع مسلمانان

در تایلند حدود هشت میلیون مسلمان وجود دارد که یک میلیون آنها در بانکوک بسر میبرند؛ آنها بیشتر شافعی مذهبند و در جنوب کشور اقامت دارند، در تایلند ۲۳ دانشگاه وجود دارد که حتی یکی از آنها اسلامی نیست، فقط در دانشگاه «رامکام هنگ» یک کرسی فقه اسلامی در اختیار مسلمانان است، ولی مدارس دینی فراوانی در جنوب هست که در آنها، قرآن، زبان عربی، فقه و حدیث تدریس می شود و اساتدان این مدارس در دانشگاههای الا زهر مصر، مدینه و مالزی تحصیل کرده اند. حاج محمد رهبر مسلمانان تایلند که «به شیخ الاسلام» معروف است از طرف دولت تایلند، عهده دار امور مسلمین است، او تحصیلات اسلامی خود را در مالزی و مصر بیابان رسانیده و بزبانهای عربی و انگلیسی تسلط دارد و علاوه بر حقوقی که از دولت تایلند می گیرد کمکهای هم از دولتهای سعودی و لیبی دریافت می کند.

مسلمانان جنوب در اثر پیوندهای تاریخی، نژادی و فرهنگی با مردم مسلمان مالزی تحت تأثیر این کشور قرار دارند و بزبانهای مالی و عربی سخن میگویند و چنین پیوندی موجب تقویت روحی آنهاست و دولت تایلند هم توجهی ظاهری نسبت به آنها معمول میدارد ولی این توجه بسیار سطحی است و مردم مسلمان آزادی کامل ندارند و با وجود آنهمه منابع طبیعی در رفروسخنی بسر میبرند و همین امر موجب جنبشهایی در گروه مسلمانان شده و بعضی حملات جریکی را گهگاه بمراکز دولتی باعث گردیده است.

مجاورت چهار ایالت مسلمان نشین جنوب با کشور مالزی تهدیدی برای دولت تایلند بحساب می آید، خاصه آنکه مسلمانان جنوب که بزبان مالی سخن میگویند خود را بیشتر

منتسب به مالزی میدانند و دولت مالزی هم تا آنجا که بروابط دو کشور لطمه ای وارد نیاید به آنها کمکهایی میکند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با وجودیکه ندای انقلاب آنچنانکه باید بگوش مسلمین آن سامان نرسیده است باز هم موقعیتی برای انقلاب ما، در جنوب تایلند خاصه ایالتهای «بالا» و «نازاتنوا» بوجود آمده و مسلمانان آن نواحی شفته انقلاب اسلامی ایران شده اند. دولت جمهوری اسلامی ایران هم تلاشهایی در راه خدمت به آنان انجام داده و مخصوصاً از جنبش مسلمانان جبهه آزادی بخش فطانی که یکی از ایالات جنوبی تایلند است حمایت کرده و دفتری برای نمایندگان این جنبش در تهران ایجاد کرده است، دولت تایلند هم برای خاموش ساختن شعله های انقلاب اسلامی در تایلند اقداماتی این چنین معمول داشته است:

۱- انتقال گروهی فراوان از بودائیانی بمناطق مسلمان نشین جنوب.

۲- جلوگیری از تکثیر جمعیت مسلمین از طریق کنترل مولید و طرح تنظیم خانواده که مجری این طرح خاناناه گروهی از مزدوران امریکائی و انگلیسی یعنی بهائیهای فراری ایران هستند که

مستقیم از سفارتخانه های امریکا و اسرائیل هدایت میشوند.

۳- ایجاد سلطه ارتش بر جوامع اسلامی از طریق تأسیس مؤسسات باصطلاح خیریه و ایجاد ارتباط بین دولت و مسلمانان که از این طریق گروههای مبارز شناخته و تعقیب میشوند.

۴- کنترل علمای دینی و شخصیتهای مبارز مسلمانان از طریق شیخ الاسلام رهبر دولتی مسلمانان و مأموریت بعضی از مسلمانان غافل یا مزدور برای انحراف افکار مسلمین و نشر اکاذیب و تبلیغات دروغین علیه انقلاب اسلامی در روزنامه های رسمی و محافل مذهبی.

فعالیتهای شیعیان

مرکز شیعیان بانکوک، دار اهل بیت است که با کمک شیعیان کوبنی تأسیس گردیده و اکنون ساختمانی سه طبقه را با تابلوی زیبایی بزبانهای عربی و تایلندی در برگرفته است مسجدی هم در نزدیکی همین ساختمان بنام «مسجد الرغایه» برپاست که در سال ۱۳۵۷ هـ ق ایجاد شده و در سال ۱۳۹۹ بهمت «حجة الاسلام محمد زکی» تجدید بنا

گردیده است مساجد و حسینیه‌های دیگری هم در همین حوالی وجود دارد که دایر است، حجة الاسلام محمّد زکی که از تحصیل کرده های نجف است فعالیت‌های در این مراکز دارد ولی چون دولت ناپلند اجازه اقامت دائم نمی دهد مدتی است بطور متفرق رفت و آمد دارد وی در دهه فجر به ایران آمده و با مسئولین ایران ارتباط دارد.

شیعیان ناپلند بعد از نماز مانند ایران شعار «الله اکبر خمینی رهبر»، «مرگ بر امریکا و اسرائیل» سر میدهند و دستهای خود را بعنوان وحدت بهم می پیوندند.

«دار اهل بیت» تاکنون کتابهایی از شهید صدر و دارالتوحید و غیرهم ترجمه و چاپ کرده و کتاب داستانی رستان را بزبان تاشی در نوار ضبط و در تیراژ زیادی پخش کرده است. نشریه ای هم بزبان تاشی بنام «افشوا» در چهار صفحه با تیراژ ده هزار شماره منتشر می کنند که مقالاتی راجع به انقلاب اسلامی ایران و گفتار امام امت در آن چاپ میشود.

علاقه شیعیان بنماز جماعت و عمل به احکام اسلامی شبان تقدیر است و زنان آنها با حجاب اسلامی در برابر زنان بی بند و بار ناپلند در خیابانها رفت و آمد دارند و علاقه آنها به مذهب پس از انقلاب اسلامی ایران افزایش یافته و جوانانی برای تحصیل به قم اعزام کرده اند.

متاسفانه سطح فکری و علمی شیعیان پائین است و بایستی روحانیونی برای تعلیم و تربیت آنها به آن سامان اعزام شوند.

اخیراً «حجة الاسلام سالار» از طرف وزارت ارشاد به ناپلند اعزام شده و قسمت فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران را اداره میکند. ایشان که نمایندگی آیت اله منتظری را نیز بعهده دارد منشأ خدمات بسیار ارزنده ای است و روابط منسجمی بین مسلمانان ایجاد کرده و تبلیغات وسیعی را با وجود امکانات کم آغاز کرده است از جمله

انتشار مجله بسیار زیبا و پر محتوایی بنام «پیام اسلام» است که بزبان تاشی در تیراژی هزار شماره چاپ و در سراسر ناپلند پخش میشود و چنانچه بودجه بیشتری در اختیار داشته باشند امید موفقیت‌های بهتری در پیش است.

انجمن جوانان مسلمان ناپلند

این انجمن در سال ۱۹۶۴ توسط بعضی جوانان مسلمان که میخواستند روابط اسلامی محکمتری بین جوانان مسلمان در سراسر ناپلند بوجود آید، تأسیس گردید و اساسنامه آنها هدفهای مشروح زیر را تعقیب میکند:



دختران خود سال در حال آموزش علوم اسلامی

۱- کوشش برای درک تعالیم اسلامی از طریق قرآن و سنت ۲- رسانیدن پیام اسلام به همه مردم ۳- مجتمع ساختن جوانان مسلمان و آموختن تعالیم اسلامی به آنها ۴- ایجاد آگاهی در جوانان تا آنجا که به توانائی و ارزندگیهای خویش پی برند ۵- توسعه و تحکیم رهبری در بین مسلمانان.

فعالیت‌های این انجمن در زمینه تشکیل سمینارها و مجالس سخنرانی و تبلیغ، چاپ ۱۰/۰۰۰ نسخه از کتابهای تبلیغی و ۱۰/۰۰۰ جزوه بنام مسلمانان در ناپلند و ۱۵۰۰۰ جزوه بنام اسلام در یک نگاه بزبان تاشی، ایجاد اردوگاههای جوانان مسلمان در تعطیلات تابستانی، فعالیت‌های تبلیغی در جنوب و جنوب شرقی ناپلند، تأسیس صندوق جمع آوری زکات و کمکهای مالی و دادن بورس تحصیلی برای ادامه تحصیلات دانشگاهی جوانان مسلمان انجام یافته است، این انجمن با دار اهل بیت و مسجد شیعیان ارتباطی کامل دارد و فیلمهایی از انقلاب اسلامی ایران را در مجامع خود بنمایش میگذارد و امام خمینی را تنها رهبر و منجی مسلمانان جهان میداند، آنها نسبت به انقلاب اسلامی ایران شناخت دارند و ضد آمریکائی و ضد کمونیزم هستند.

آمار مسلمانان جنوب

مسلمین جنوب بین ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم ناپلند را در آن بخش تشکیل میدهند، بر طبق آمار معین در ایالت فنانی ۹۵٪، در ناراتیوا ۹۵٪، سونکای کلوک ۸۰٪، باتونک ۵۰٪، سادوا، ۴۰٪، سونکلا، ۳۰٪ حجاجی و باتالونک و ساتون ۳۰٪ و ایالت‌های ترانک و جالا هر کدام ۲۵٪ مسلمان زندگی می کنند.

ادامه دارد